

## هشدارهای مهم درباره سرقت خودرو

بررسی آمار پلیس نشان می‌دهد، بیشتر سرقت‌های خودرو مربوط به خودروهایی است که فاقد سیستم ضدسرقت هستند؛ هر چه ضریب ایمنی خودرو افزایش یابد، به همان میزان ضریب سرقت آن کاهش خواهد یافت. به همین خاطر توجه به هشدارهای پلیس می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری داشته باشد:

- ۱- خودروی خود را به لوازم ایمنی نظیر دزدگیر، سوئیچ مخفی، قفل فرمان، قفل پدال، قفل سوئیچی و سایر وسایل بازدارنده مجهز کنید.
- ۲- در زمان خروج از پارکینگ منزل، ابتدا خودرو را خاموش کرده و سوئیچ را برداشته سپس در پارکینگ را ببندید.
- ۳- خودروی خود را به تعمیرگاه‌های غیرمجاز و ناشناس نسپارید، زیرا همواره احتمال

- ۴- هنگام تصادف یا نزاع‌هایی که احتمال ساختگی بودن آنها وجود دارد، مراقب خودروی خود باشید.
- ۵- با اطمینان از این‌که فرزند خردسال شما در خودرو نشسته است، خودرو را رها نکنید.
- ۶- از پذیرفتن هر نوع خوراکی و آشامیدنی از مسافران ناشناس خودداری کنید، زیرا ممکن است آنان قصد مسموم کردن شما را داشته باشند.
- ۷- هرگز خودروی خود را در اماکن خلوت و تاریک پارک نکنید.
- ۸- هنگام ترک خودرو، اسناد و اوراق شناسایی و اموال با ارزش را در داخل خودرو قرار ندهید.
- ۹- اگر خودرو را به علت نقص فنی هل می‌دهید، اجازه ندهید افراد غریبه و ناشناس پشت فرمان بنشینند.

خاطره جنایی

تشریح

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۳

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۹

## سناریوی هولناک برای مرد طلبکار

زوج جوان پس از قتل مرد طلبکار با طراحی سناریویی هولناک سعی کردند از مجازات قصاص فرار کنند اما تیره‌هوشی کارآگاه پلیس آنها را ناکام گذاشت. این هفته خاطره این کارآگاه جنایی را بازگو کرده‌ایم.

چند سال قبل، به دنبال تماس زن جوانی با پلیس وارد عمل شدیم. فرنگیس در تماسی با پلیس بیان کرده بود: مردی قصد آزار و اذیت را داشت و برای دفاع از خود، او را با چاقو به قتل رسانده‌ام. گزارش جنایت که به ما اعلام شد، بلافاصله راهی محل شدیم. در گوشه از حیاط خانه قدیمی، جسد مردی افتاده بود. زن جوان که لباس هایش خونی بود و رنگ پریده به نظر می‌رسید؛ با دیدن ما گفت: حشش بود. کار اشتباهی نکردم و هرگز هم از کاری که کرده‌ام پشیمان نخواهم شد.

## اعتراف به جنایت

از فرنگیس خواستم کمی آرام شود و برایم توضیح دهد که چه اتفاقی رخ داده است. زن جوان نگاهی پرکینه به جسد انداخت و گفت: مدتی بود که مزاحم تلفنی داشتم و مرد جوانی مدام برایم ایجاد مزاحمت می‌کرد و حرف‌های نامربوط می‌زد. او طوری حرف می‌زد که اگر شوهرم این جملات را می‌شنید، زندگی‌ام نابود می‌شد. هر چی به او التماس کردم که دست از مزاحمت‌هایش بردارد، بی‌فایده بود. صبح امروز زنگ زد و اصرار کرد که باهم قرار بگذاریم وگرنه به دروغ به شوهرم می‌گوید که با او ارتباطی پنهانی داشته‌ام و زندگی‌ام را نابود خواهد کرد. ناگهان نقشه‌ای به ذهنم خطور کرد، باید از دست مزاحمت‌هایش رها می‌شدم و برعکس همیشه که به او التماس می‌کردم که دست از مزاحمت‌هایش بردارد، این بار او را به خانه‌ام دعوت کردم. یک ساعت بعد، مرد ناشناس زنگ خانه‌مان را به صدا درآورد. چاقویی از آشپزخانه برداشتم و پشت در ایستادم، در را برایش باز کردم و به محض این‌که وارد حیاط شد با چاقو به جان‌اش افتادم. در جیب‌های مقتول، کاغذی کشف شد که شماره تلفن خانه داخل آن نوشته شده بود. فرنگیس به اداره آگاهی منتقل شد، در نگاه اول این‌طور به نظر می‌رسید که زنی به خاطر دفاع از خود دست به جنایت زده است. باتوجه به اعتراف متهم، روال این‌طور به نظر می‌رسید که کیفرخواست پرونده به‌زودی صادر شود و زن جوان در دادگاه محاکمه شود.

## ابهاماتی در پرونده

اما این کار را نکردیم، تحقیقات را مثل تمام پرونده‌های جنایی آغاز کردیم. بررسی‌های میدانی و تحقیق از دوست و فامیل فرهاد، نشان می‌داد که مرد جوان، فردی معقول و انسانی درستکار بوده است. در نتیجه اتهام مزاحمت‌های سریالی برای چنین شخصی دور از ذهن بود. از طرفی برعکس اظهارات فرنگیس که مقتول را نمی‌شناخته، در بررسی‌هایم دریافتم که فرهاد همشهری شوهر فرنگیس بوده و مدت‌هاست که همدیگر را می‌شناسند. زمانی که فرنگیس و شوهرش به تهران می‌آیند، از آنجا که وضع مالی خوبی نداشتند، فرهاد به آنها کمک می‌کند تا

زندگی جدیدی بسازند. کمک‌های مالی فرهاد، باعث می‌شود که روزبه‌روز وضع زندگی فرنگیس و همسرش خوب شود. بعد از این‌که وضع مالی آنها خوب می‌شود، فرهاد درخواست پولی را می‌کند که به آنها قرض داده بود. در این میان فرنگیس و شوهرش با او به اختلاف بر می‌خورند و سعی داشتند که از پرداخت بدهی به مرد جوان سر باز زنند.

## قاتلی دیگر

زمانی که مدارک و شواهد به دست آمده رادر کنار هم قرار دادیم، به‌رغم این‌که فرنگیس به جنایت اعتراف کرده بود، این احتمال مطرح شد که قاتل شخص دیگری است. این احتمال وجود داشت که اگر فرنگیس با این بهانه که مرد جوان برای او ایجاد مزاحمت کرده و قصد تعرض به او را داشته و او به ناچار و برای دفاع از خود دست به قتل زده است، دادگاه برای او دفاع از خود بگیرد یا این‌که اولیای دم که فرزندشان را در این جنایت مقصر می‌دانستند، از قصاص قاتل چشم‌پوشی کنند و زن جوان پس از مدتی حبس، آزاد شود. با این فرضیه احتمال داشت که قاتل دیگری وجود داشته باشد و زن جوان این جنایت را به گردن گرفته است. گرچه این موضوع تنها یک فرضیه بود اما ما انگیزه محکمی داشتیم که فرضیه ما را پررنگ‌تر می‌کرد. انگیزه مالی برای جنایت، یکی از انگیزه‌های مهمی است که در چارچوب انگیزه‌های پلیسی برای یک جنایت مطرح می‌شود.

## هویت قاتل اصلی

مقتول از فرنگیس و شوهرش پول طلب داشت و آنها هم برای فرار از این بدهی و رهایی از دست فرهاد نقشه قتل او را طراحی کرده بودند. این افکار در ذهنم رژه می‌رفت که با فرنگیس راهی خانه‌اش شدیم تا به بازسازی صحنه قتل بپردازد. در بازسازی صحنه، زن جوان مواردی را بیان می‌کرد که با واقعیت یکی نبود. مشخص بود که او در زمان جنایت تنها نبوده و این موضوع را از اظهارات ضدونقیض متوجه شدیم. نحوه‌ای که او بیان می‌کرد برای زدن چاقو با ضرباتی که به او وارد شده بود، تشابه نداشت. تناقض‌گویی‌ها و مدارکی که ما در تحقیقات به دست آورده بودیم، احتمال ما را به یقین تبدیل کرد که قاتل شخص دیگری است. با این فرضیه، بار دیگر سراغ فرنگیس رفتیم، زن جوان گرچه سعی می‌کرد که همان اظهارات قبلی‌اش را مطرح کند اما در نهایت لب به اعتراف گشود. او در تحقیقات گفت: همسر، فرهاد را به قتل رساند اما با صحنه‌سازی سعی می‌کرد که این جنایت را به گردن من بیندازد. او ادامه داد: فرهاد مبلغ زیادی به ماکمک مالی کرده بود و در این مدت نه فقط نظری به من نداشت، بلکه مثل یک برادر بزرگ‌تر هر کاری از دستش برآمد برای من و شوهرم انجام داد. شنیده‌اید که می‌گویند اگر مالت را به کسی قرض بدهی، دشمنت می‌شود. حکایت من و شوهرم بود، پول‌های فرهاد زندگی ما را دگرگون کرد و وضع مالی‌مان را خوب کرد اما ما نمی‌توانستیم این همه پول را برگردانیم، نه این‌که نداشته باشیم که اگر نداشتیم فرهاد پولی طلب نمی‌کرد، بلکه نمی‌خواستیم بدهی‌های‌مان را برگردانیم. زن جوان گفت: با این تصور تصمیم گرفتیم که او را به قتل برسانیم. به بهانه حساب و کتاب و رسیدگی به مسائل مالی، فرهاد را به خانه کشانیدیم. شوهرم پشت در مخفی شده بود و من در را باز کردم، موقعی که فرهاد وارد خانه شد، شوهرم از پشت به او حمله کرد و مرد جوان را با ضربات چاقو به قتل رساند. بعد هم خانه را ترک کرد و من با پلیس تماس گرفتم و ماجرای قتل به خاطر مزاحمت را بیان کردم.

با اعتراف زن جوان، همسر فرنگیس بازداشت شد و راز جنایت را برملا کرد. به این ترتیب پرونده‌ای که حتی قاتلی با اعتراف داشتیم، رازگشایی شد و قاتل اصلی دستگیر شد.